



- نتانياهو: برجام لغونشود اصلاح شود/ ۲
- ۴سال حاشیه‌سازی در وزارت علوم /۴
- ادامه سریال تعطیلی کارخانه‌ها /۳
- استعفای وزیر دفاع انگلیس پس از رسوایی /۱۵
- رسوایی آزار زنان به کنگره آمریکا رسید /۱۵

۱۳آبان، روز مبارزه با استکبار جهانی وروز «مرگ بر آمریکا» گرامی باد

■ ۱۱۷۸سال و۳۲۱روز گذشت

■ Vol.10 ■ No.2298 ■ Sat.Nov.04,2017 ■ ISSN:2008-2886

- شنبه ۱۳آبان ۱۳۹۶
- ۱۵صفر ۱۴۳۹
- ۴نوامبر ۲۰۱۷
-
- شماره ۲۲۹۸

سال دهم

تجربه تاریخی یک عمر دشمنی کاخ سفید

■ حسین قدبائی

۱ اگر «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مهم‌ترین شعار «انقلاب اسلامی» بود، «مرگ بر آمریکا» اما مهم‌ترین شعار «جمهوری اسلامی» است! و اگر هر شعاری، قلبی دارد و بهاری دارد و ریشه در روزی دارد، امروز «سیزدهم آبان» قلب و بهار و ریشه ام‌الشعائر نظام یعنی «مرگ بر آمریکا» است! ۱۳ آبان ۴۳ که امام خمینی به ترکیه تبعید شدند و ۱۳ آبان ۵۷ که شمار قابل توجهی از دانش‌آموزان غیور ما، خون خود را در راه انقلابی ریختند که چند ماه بعد به پیروزی رسید و ۱۳ آبان ۵۸ که «انقلاب دوم» شد و «لايه جاسوسی شیطان بزرگ» تسخیر شد، طرف اصلی دعوی ملت ایران آمریکا بود، چرا که طرف اصلی دعوی آمریکا، ملت ایران بود! در ۲ حادثه اول، حکایت «۱۶ آذر ۱۳۳۲» آمریکا علیه ملت ایران بود و همراه با رژیم ستمشاهی و در حادثه سوم، نیست که انقلاب به پیروزی رسیده بود، دشمنی امریکا توأمان، ملت و حکومت را مدنظر داشت! البته در ۱۳ آبان ۵۸ از آنجا که دولت وقت یعنی «دولت موقت» خیلی اساسا متوجه منظور انقلاب اسلامی نبود یا نمی‌خواست باشد، به همان ساز می‌رقصید که آمریکا دوست می‌داشت، لذا همان آمریکا که بد ملت ایران و بد امام راحل عظیم‌الشان را می‌گفت، خیلی با مهندس بازرگان و اعوان و انصار، کاری نداشت که هیچ، حمایت‌شان هم می‌کرد! البته بازرگان با همه لیبرال بودنش و با همه اعتمادی که به غرب داشت و با همه حد و حدود بی‌شماری که برای مبارزه قائل بود، هر گز سیاستمدار ایرانی ایده‌ال برای سران کاخ سفید نبود؛ همچنان که مصدق هم نبود!

ادامه در صفحه ۵



رهبر انقلاب در دیدار هزاران نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان با اشاره به اقدامات ضد ایرانی دولت ایالات متحده:

آمریکا با ملت دشمن است

آمریکا به امثال مصدق هم راضی نیست، آنها نوکر می‌خواهند مثل محمدرضا پهلوی

صفحه ۲

نقشه‌ای از اساس منتفی!

■ امیر استکی

۳ توتال برای عقد قرارداد فاز ۱۱ تا اعلام پایبندی ایران به برجام توسط ترامپ صبر کرد. حالا پس از اعلام نقض برجام توسط ترامپ، برای بستن قراردادهای بیمه‌کاری عملیات اجرایی این فاز، منتظر واکنش کنگره است. این چیزی نیست که از یک پیش‌بینی نشأت گرفته باشد، بلکه عین آن چیزی است که مسؤولان این شرکت فرانسوی اعلام کرده‌اند. خروج توتال یا هر شرکت غربی دیگری از قراردادهای و تعهدات‌شان با ایران در صورت بازگشت تحریم‌های معلق شده به واسطه برجام که تقریبا به شکل کامل در اراده ایالات متحده آمریکا قرار دارد، امری بدیهی و تغییرناپذیر است. چه اینکه به علت تنیدگی بسیار زیاد اقتصاد جهان با اقتصاد آمریکا و تسلط طبیعی قراردادهای و تعهدات‌شان با ایران در صورت بازگشت تحریم‌های معلق شده به واسطه برجام که تقریبا به شکل کامل در اراده ایالات متحده آمریکا قرار دارد، امری بدیهی و تغییرناپذیر است. چه اینکه به علت تنیدگی بسیار زیاد اقتصاد جهان با اقتصاد آمریکا و تسلط طبیعی قراردادهای و تعهدات‌شان با ایران در صورت بازگشت تحریم‌های معلق شده به واسطه برجام که تقریبا به شکل کامل در اراده ایالات متحده آمریکا قرار دارد، امری بدیهی و تغییرناپذیر است. چه اینکه به علت تنیدگی بسیار بالا می‌برد، به نحوی که هر نوع منفعت خالصی را نیز به چالش خواهد کشید. خاصه اینکه پس از عملیاتی شدن کاتسا دیگر خبری از جریمه وزارت خزانه‌داری آمریکا برای معامله با ایران نخواهد بود، بلکه نهاد متخلف مستقیما به لیست شرکت‌ها و نهادهای تحریمی افزوده می‌شود و هیچ کنشگر اقتصادی بین‌المللی اینچنین ریسک سنگینی را بر نخواهد تافت. به قول یکی از تحلیلگران مالی، «در شرایط متزلزلی که در برجام برای همکاری و سرمایه‌گذاری در ایران به واسطه مربوط شدن آن به تایید یا عدم تایید رئیس‌جمهور آمریکا و همچنین مجوزهای اوفک و در این روزها اضافه شدن پیپی‌دی‌گای‌های جدید به واسطه اجرایی شدن کاتسا، وجود دارد، انگیزه یک سرمایه‌گذار خارجی برای ورود به این دریای متلاطم ریسک از نظر توجیحات اقتصادی به صفر گرایش خواهد یافت و شاید فقط انگیزه‌های خیره، اینچنین ریسکی را پوشش دهد یا مانند پاره‌ای موارد تضمین‌های نقدتر از اصل ایران برای سرمایه‌گذاری». با این اوصاف کشیدن نقشه‌های بلندپروانه برای ایجاد منافع اقتصادی برای قدرت‌های جهانی در ایران که در تحلیل نهایی و بر مبنای رویکرد دهای لیبرالیستی روابط بین‌الملل منجر به دفاع آنها از منافع خود و جلوگیری از افزایش فشارها بر ایران می‌شد، از اساس منتفی خواهد بود...

ادامه در صفحه ۵

پولدارها به مرغداری نمی‌روند!

■ سمیرا کریمشاهی

۴ ۲ خبر با فاصله کمی از هم منتشر شد: ۱- بچه‌های روستای سیب و سوران در استان سیستان و بلوچستان به‌دلیل نبود فضای آموزشی، یک مرغداری را به کلاس درس تبدیل کردند! ۲- هزینه معلم‌های سرشناس که آمار رتبه قبولی دانش‌آموزان‌شان در کنکور بالاست، به جلسه‌ای ۴ میلیون تومان می‌رسد. عدالت آموزشی در خون رنگین‌تر پایتخت‌نشینان و ساکنان کلانشهرها غرق شده است و جز یک واژه پرطمعراق چیزی از آن در جامعه حس نمی‌شود. عده‌ای میلیونی خرج می‌کنند تا تکنیک تست زدن یاد بگیرند و در گوشه‌ای از کشور کودکانی که معلوم نیست به کنکور و تست‌زدن برسند یا نه، در یک مرغداری بوی مدرسه را استشمام می‌کنند. عدالت آموزشی مرده است و حلوای آن در مدارس خصوصی و مؤسسات کنکوری خیرات می‌شود برای سلامتی بازماندگان! یعنی افرادی که از مدرسه خصوصی گرفته تا معلم خصوصی، تمام امکانات از نوع خصوصی‌ترینش برای‌شان فراهم است تا آخر سر در یک دانشگاه دولتی قبول شوند و سد کنکور را با پول خود فرو ببرزند. دور نیست که با ادامه چنین وضعیتی دانشگاه‌های مطرح کشور جولان یک مشت نوکیسه سرخوش شود که نه دغدغه‌ای دارند و نه استعدادی و صرفا به لطف جیب مبارک والدین قدم به دانشگاهی گذاشته‌اند که اساتیدش با تمام سابقه و اعتبار علمی که دارند باید تا آخر عمر تدریس کنند و ربالی از حقوق‌شان را خرج نکنند تا بتوانند ماشینی مشابه پورشه آخرین مدل دانشجوی خود بخرند. اتفاق بدتر اینکه همین بی‌دردها می‌شوند وزیر و وکیل در این کشور و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. در چنین آشفته‌بازاری که پول، کلید در دانشگاه دولتی است، دانش‌آموزی که یک روز در مرغداری درس خوانده، روزی دیگر در چادر یا خیلی هم هوای‌شان را داشته باشند کانکسی به عنوان کلاس درس در اختیارشان گذاشته باشند، استعدادی فرا اینشتینی باید داشته باشد تا بتواند در دانشگاه شریف یا تهران درس بخواند. بی‌انصافی در حق رشکاف طبقاتی است که نامش را روی چنین تراژدی دردناکی بگذاریم. کار از شکاف هم گذشته است.

ادامه در صفحه ۵

سکته سیاسی احزاب سنتی در اروپا

■ محمدابراهیم کریمی

۵ سران اتحادیه اروپایی و منطقه یورو با چالش‌های مزمنی در قاره سبز دست و پنجه نرم می‌کنند. استمرار بحران اقتصادی در اروپا، شیوع چالش‌های اجتماعی و امنیتی و همه مهم‌تر گریز شهروندان از احزاب سنتی و طرفدار یکپارچگی اروپا، جملگی منجر به افزایش ضریب آسیب‌پذیری اتحادیه اروپایی شده است. بی‌دلیل نیست که بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی و اجتماعی نسبت به عقبگرد اتحادیه اروپایی در دوران ملی‌گرایی هشدار می‌دهند. طی ماه‌های اخیر، شاهد برگزاری ۳ انتخابات مهم در اروپا بودیم که نقطه اشتراک آنها، پیروزی نسبی جریان‌های ملی‌گرا و راست افراطی بود. در انتخابات سراسری آلمان، پیروزی حزب دموکرات‌مسیحی و به طور کلی اتحادیه احزاب مسیحی، تجمت‌الشعاع راهپایی حزب افراطی «جایگزینی برای آلمان» (AFD) قرار گرفت. این حزب افراطی نه‌تنها توانست نزدیک به ۹۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد، بلکه پس از حزب سوسیال‌دموکرات، به سومین حزب قدرتمند در کشور آلمان تبدیل شد. حتی احزاب سنتی‌تری مانند حزب لیبرال‌دموکرات و حزب سبز نیز در این ماراژن سیاسی، از حزب جایگزینی برای آلمان عقب ماندند. اقبال حدود ۱۲ درصد رای‌دهندگان آلمانی به حزب جایگزینی برای آلمان، آن هم در حالی که این حزب اساسا تاکنون حتی یک نماینده‌نیز در پارلمان آلمان نداشت، به معنای رشد تصاعدی آرای آن محسوب می‌شود. در صورتی که این روند تصاعدی ادامه پیدا کند، شاهد شکل‌گیری معادلات تازه‌ای در کشور آلمان خواهیم بود. ۲. حزب سنتی آلمان یعنی دموکرات‌مسیحی و سوسیال‌دموکرات نیز نسبت به انتخابات قبلی، با کاهش اقبال عمومی مواجه شدند. بدون شک با تشدید بحران اقتصادی در اروپا و رویگردانی بیشتر شهروندان آلمانی نسبت به واحد پول یورو، اقبال عمومی نسبت به جایگزینی برای آلمان افزایش خواهد یافت. این موضوع خود را در انتخابات آتی پارلمان اروپا که در هر ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپایی برگزار می‌شود نمایان خواهد کرد. اکثریتی قریب به اتفاق تحلیلگران مسائل اروپا از پیروزی اخیر صدراعظم آلمان و حزب متبوعش [دموکرات مسیحی] در انتخابات اخیر به عنوان «تلخ‌ترین پیروزی مرکل» یاد می‌کنند.

ادامه در صفحه ۵

فهم نادرست مسؤولان از کاتسا

■ امید رامز

۶ واکنش‌های چند ماه گذشته و بویژه چند روز اخیر برخی مسؤولان که اتفاقا با برنامه اقدام مشترک نیز ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم داشته و دارد، نشان می‌دهد متأسفانه آنها از جزئیات و نحوه تاثیر تحریم‌های ذیل قانون «مقابله با مخالفان/ دشمنان آمریکا ll تحریم-Countering America's Adversary Through Sanctions Act» یا به اختصار کاتسا که اگوست ۲۰۱۷ پس از تصویب قاطعانه در کنگره و سنای ایالات متحده آمریکا به امضای دونالد ترامپ رسید، در خوشبینانه‌ترین حالت آگاهی کافی ندارند. چند روز پس از تصویب قانون فوق در مرداد ماه امسال صدای مشترکی از مسؤولانی که مستقیما در امضا و تصویب برجام نقش داشته‌اند به گوش رسید، مبنی بر اینکه تحریم مصوب، تحریم جدیدی نیست؛ تجميع تحریم‌های قبلی است؛ غیرهسته‌ای است و سخنانی از این دست که واقعا تأسفبار است. در همین راستا نیز اخیرا مصطفی کواکبیان، نماینده اصلاح‌طلب مجلس و یکی از افرادی که تحت لیست پرحرف و حدیث امید به مجلس شورای اسلامی راه یافت، اظهارنظر قابل تاملی داشته است؛ اینکه «خوشبختانه مادر تحریم‌ها، موش زایید؛ دیدیم که افرادی که قبلا هم تحریم شده بودند مجددا در لیست تحریم قرار گرفته‌اند».

ادامه در صفحه ۱۲

ببین امانوئل؛ آنها «وان یکاد» دارند!

■ حسن رضایی

۷ آقای عباس عراقچی طی حضور اخیر خود در صحن مجلس شورای اسلامی گفته است: «کشورهای اروپایی به طور کاملا صریح و مشخص با سیاست‌های آمریکا بدعهدی‌ها و تخلفات این کشور مخالفت کردند». وی در ادامه مدعی منزوی شدن دولت آمریکا در سطح جهان شده و آن را حاصل زحمات دستگاه دیپلماسی کشور دانسته است. به! دستگاه دیپلماسی کشور واقعا زحمات طاقت‌فرسایی متحمل شده‌است. اینکه شما ابتدا کشوری را رئیس، همه‌کاره، آقابالاسر، کدخدا و همه‌کاره جهان بدانی و ۴ سال آزارگار برای نزدیک شدن به او و به دست آوردن دل کلفتش، وقت بگذاری، بتن بریزی و سانس‌تریفیوژ بشکنی، تا در نهایت «منزوی کردن» او را یگانه دستاورد این زحمات معرفی کنی، واقعا باید عملیات پیچیده و طاقت‌فرسایی باشد! اساسا عملیات‌هایی که نتیجه معکوس می‌دهند، همیشه پیچیده هستند! ابهامات این عملیات تاریخی البته یکی -دو تا نیست؛ اول اینکه دستگاه دیپلماسی بطور با درک جایگاه آمریکا در نظام بین‌الملل، ادعای منزوی شدن او را در شرایط حاضر طرح می‌کند؟ نعوذبالله!

ادامه در صفحه ۱۲

اوضاع تراز تجاری بدتر از آمارهاست!

■ میثم مهرپور

۸ حدود ۲ سال پیش خبری کوتاه تحت عنوان «تراز بازرگانی ایران برای نخستین‌بار در ۳۷ سال گذشته مثبت شد» در رسانه‌ها منتشر و حامیان دولت آن به عنوان نقطه عطف و ماحصل عملکرد باثبات دولت یازدهم نام بردند. این موضوع تا آنجا مورد اتکای دولتی‌ها قرار گرفت که دولت یازدهم در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ از این موضوع تحت عنوان اقدام قابل تقدیر خود(!) یاد می‌کرد. موضوعی که اگرچه همان زمان نیز از سوی کارشناسان اقتصادی مورد انتقاد قرار گرفته و مواردی چون غیرواقعی بودن آمار صادرات غیرنفتی به واسطه صادرات مواد خام و محصولات نفتی به نام غیرنفتی، آن را بی‌اعتبار کرده بود اما مورد فخر دولت روحانی می‌شد. در این میان دولت حسن روحانی بارها از کاهش شتاب تورم و مثبت شدن تراز تجاری کشور به عنوان ۲ اقدام اقتصادی بزرگ خود طی این سال‌ها نام برده است. اما اعلام آمار تراز تجاری کشور در ۷ ماه ابتدایی سال ۹۶ و مقایسه آن با مدت مشابه سال گذشته در روزهای اخیر نشان‌دهنده فروپاشیدن همین به اصطلاح «موفقیت دولت» در طول چند سال اخیر بوده است. آماري که نه‌تنها وضعیت تراز تجاری کشور را منفی نشان داده، بلکه با نگاهی به آن می‌توان گفت وضعیت تجارت ایران در مرز هشدار قرار دارد که در ادامه به اختصار به بیان برخی از دلایل این اتفاق می‌پردازم. ۱- بر اساس گزارش گمرک ایران در ۷ ماه اول سال جاری حدود ۲۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار کالا وارد کشور شده است که این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حدود ۱۵ درصد افزایش یافته است. بر اساس این گزارش صادرات غیرنفتی ایران در ۷ ماه اول سال جاری نیز به ۲۴ میلیارد و ۷۱۰ میلیون دلار رسیده که این رقم نیز در مقایسه با مدت مشابه سال قبل حدود ۲/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. کاهش صادرات غیرنفتی ایران در این بازه زمانی در حالی است که متوسط قیمت هر تن کالای صادراتی ایران به خارج از کشور چیزی حدود ۹ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است.

ادامه در صفحه ۱۲

سرمایه‌گذاری خارجی خوب یا بد؟

■ کاوه تقوی

۲ بعضی رسانه‌های نزدیک به دولت محترم دوست دارند نشان دهند جامعه ایران ۲ بخش است: کسانی که طرفدار سرمایه‌گذاری خارجی هستند و مخالفان آن. این رسانه‌ها در منظومه فکری خود معتقدند موافقان سرمایه‌گذاری خارجی افرادی هستند طرفدار رابطه با دنیا و استفاده از پیشرفت‌های آن و مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی افرادی هستند واپسگرا که حتی فاقد یک راحل اجرایی در غیاب سرمایه‌گذاری خارجی هستند. وقتی از سرمایه‌گذاری خارجی حرف می‌زنند منظورشان مطلق سرمایه‌گذاری خارجی است: یوزانس، لیزینگ، فروش اوراق قرضه، گرفتن اعتبار، ری‌فاینانس، مشارکت و... بدون آنکه اصلا بین این اشکال مختلف و تبعات آن تفاوتی قائل باشند. سوال مرکزی آن است: سرمایه‌گذاری خارجی خوب است یا بد؟ پاسخ شما را این طرف یا آن طرف خط، تقسیم‌بندی خواهد کرد. حداقلی از تسلط به مباحث مالی کمک می‌کند این سوال اصلاح شود: چگونه سرمایه‌گذاری خارجی‌ای خوب است؟ باز پاسخ این سوال آنقدر جزئیات دارد که خط کشیدن و تقسیم کردن افراد بر اساس آن محل تردید است. یک پاسخ احتمالا می‌تواند این باشد: هر نوع تأمین مالی خارجی که تبعات آن با نیازهای امنیتی، اجتماعی و سیاسی کشور همگرا باشد خوب است و هر نوع سرمایه‌گذاری خارجی مغایر با نیازهای فوق بد است. بین نوع تأمین مالی خارجی و نیازهای ملی هم‌راستایی ایجاد کرد، بسیار مشکل است. هر کشوری در مسیر خود به پاسخی رسیده است. ادامه در صفحه ۵

نگارنده: Leader.ir